



دانشگاه سیرستان بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

بررسی روش های کاربردی تدریس در نظام تعلیم و تربیت حکیم ابونصر فارابی

دکتر محسن فرمهینی فراهانی^۱، دکتر علی نقی فقیهی^۲، حسن نجفی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی روش های کاربردی تدریس در نظام تعلیم و تربیت حکیم ابونصر فارابی انجام شده است، تا بتوان با استفاده از آراء فلسفی و تربیتی وی که به عنوان فیلسوف بزرگ اسلامی، توانسته است نظریات فلاسفه بزرگ یونان و اندیشه ها دینی و آموزه های اسلامی را به هم آمیزد و نظام تربیتی نوینی را پایه گذاری کند، به بهبود فرایند تدریس کمک نمود. برای دست یابی به این مهم مؤلفه های نظام تعلیم و تربیت (اهداف، مبانی، اصول، روش های کاربردی تدریس) او بررسی و تحلیل شد. روش پژوهش توصیفی- تحلیلی بوده و به منظور گرد آوری داده های لازم جهت دست یابی به اهداف پژوهش، منابع و متون موجود و مرتبط با موضوع پژوهش با استفاده از فرم های فیش برداری از منابع و با شیوه کیفی مورد تحلیل قرار گرفت. از جمله نتایج این پژوهش این است که دیدگاه فارابی در زمینه تعلیم و تربیت متأثر از دیدگاه فلسفی وی است. او غایت زندگی انسان را تحصیل سعادت از طریق کسب فضایل چهارگانه (نظری، فکری، اخلاقی و عملی) دانسته و تأدیب را به عنوان پلی برای رسیدن افراد به مدینه فاضله و نیل به سعادت، خیراندیشی، تفاهم و خوشبختی در نظر می گیرد. از روش های کاربردی تدریس مورد تأکید در این پژوهش می توان به: برهانی، اقناعی، صعودی، نزولی، مباحثه و گفتگو، تمثیل و تشبیه معقول به محسوس، حفظ و تکرار، مشاهده، ماریچی، ایفای نقش و پلکانی اشاره نمود.

واژگان کلیدی: نظام تعلیم و تربیت، روش های کاربردی تدریس، فارابی.

Email: farmahinnifar@yahoo.com

۱- دانشیار دانشگاه شاهد

Email: an-faghihi@qom.ac.ir

۲- دانشیار دانشگاه قم

Email: hnajafih@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه شاهد



دانشگاه سیستان و بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

مقدمه

یکی از پدیده های اجتماعی که از آغاز تولد بشر روی کره خاکی وجود داشته است و از بنیادی ترین و چالش برانگیزترین مسائل مورد توجه اندیشمندان مسلمان، علمای اخلاق و فلاسفه محسوب می گردد، مسئله تعلیم و تربیت، غایت و هدف تعلیم و تربیت، روش های آموزش و نهایتاً اینکه انسانی که محصول تعلیم و تربیت است، چگونه انسانی خواهد شد، بوده است. اندیشه و نظام تربیتی هر مکتبی تحت تأثیر نگرش آن مکتب به هستی، زندگی و انسان است تا آنجا که فرایند تعلیم و تربیت را در آن مکتب، سمت و سو می بخشد، از این رو تحقیق و تفحص در حقیقت و طبیعت انسان از اساسی ترین اموری است که در فلسفه تربیت بدان پرداخته می شود و بر اساس آن، ویژگی های نظام تربیتی مشخص شده و عوامل تربیتی تأثیرگذار بر انسان، توانایی و امکانات او برای تغییر مطلوب، و در یک کلام، میزان تربیت پذیری او معلوم می شود (کاوندی، ۱۳۹۰، ص ۴۶).

در این راستا فلاسفه مهم ترین نقش را در تدوین مکاتب تربیتی ایفا کرده اند. آنان با ارائه نظام خاصی که برگرفته از چگونگی تفکرشان به جهان هستی و انسان بوده است، درصدد تبیین آرای تربیتی خود برآمده اند. در حقیقت، فلاسفه با ارائه آرای تربیتی - آموزشی خود و اهداف و غایات آن و نیز به چالش کشیدن اندیشه های تربیتی دیگر، همواره مؤثرترین عامل بر روند تربیت بوده اند، به گونه ای که امروزه نیز برای انتخاب و گزینش روش های آموزشی باید برخی از بنیان های فلسفی را پذیرفت (نقیب زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۹۶).

در این میان، فارابی به عنوان یک فیلسوف بزرگ اسلامی، با بهره گیری از افکار و اندیشه های دو فیلسوف نامدار یونانی، افلاطون و ارسطو، و گزینش عقلانی آرای آنها در زمینه تعلیم و تربیت و تأیید و تقویت آن در بستر اندیشه دینی توسط آموزه های اسلامی، توانسته است نظام تربیتی نوینی را پایه گذاری کرده و در ارائه آرا و نظریه های فیلسوفان اخلاق پس از خود تأثیر غیرقابل انکاری را داشته باشد (فقیهی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷).

بدیهی است که حوزه تحقیقات فارابی گسترده است و موضوعات و مسائل مختلفی را در بر می گیرد. اما هدف این پژوهش بررسی اصول و روش های آموزشی از دیدگاه حکیم ابونصر فارابی بوده و روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است. بر این اساس برخی از آراء و اندیشه های فلسفی و تربیتی حکیم ابونصر فارابی، توصیف محتوایی شده و اصول و روش های کاربردی تدریس مورد تأکید وی تبیین گردیده است. جامعه



دانشگاه سیستان و بلوچستان

مجموعه‌ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش‌های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

پژوهش حاضر شامل متون فلسفی و تربیتی مرتبط با مبانی نظری و پژوهشی نظام تعلیم و تربیت فارابی می‌باشد، از میان متون، مواردی که ارتباط بیشتری با هدف پژوهش داشتند به عنوان نمونه انتخاب شدند. همچنین به منظور گردآوری داده‌ها از فرم‌های فیش برداری از اطلاعات استفاده شده است.

در بررسی پیشینه پژوهش و موضوعات مرتبط با آن می‌توان به پژوهش‌هایی زیر اشاره نمود:
میرزامحمدی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی آراء و اندیشه‌های تربیتی حکیم ابونصر فارابی»، به این نتیجه دست یافت که مبنای اصلی تربیت فارابی دینی بوده و هدف اصلی تربیتی وی حرکت انسان به سوی خدا، و روش‌های تدریس مورد تأکید برهانی و اقناعی است.

ایمانی، بابایی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «ارزش‌شناسی فارابی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی»، به این نتیجه دست یافتند که فارابی ارزش‌های اساسی را مطلق دانسته و مهم‌ترین اهداف تربیت اخلاقی وی شناخت و ایمان به خدا، سعادت، تفکر و تأمل، تعقل و اعتدال بوده و اصول به دست آمده از دیدگاه او سه اصل: استمرار در تغییر اخلاق و رفتار، تدریجی نمودن پرورش اخلاقی و تحول در نگرش است.

ربانی، نوروزی و قادری (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر اندیشه‌های تربیتی فارابی و دورکیم»، ضمن تحلیل و مقایسه اندیشه‌های فارابی و دورکیم در زمینه تعلیم و تربیت، به این نتیجه دست یافتند که نگاه هر دو اندیشمند به مقوله تعلیم و تربیت، اجتماعی است و این امر باید زمینه‌ساز رشد و بالندگی افراد و به ویژه جامعه باشد.

کاوندی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «مبانی اندیشه‌های تربیتی فارابی»، به این نتیجه دست یافت که فارابی در تبیین اندیشه‌های تربیتی خود با الهام از مبانی دین اسلام، انسان را موجودی از خدا و عائد به سوی خدا دانسته و همه افراد را برای رسیدن به سعادت و کمال نیازمند به تعلیم و تربیت به واسطه افعال ارادی می‌داند. وی تحصیل فضائل مختلف را از دو طریق «تعلیم» برای ایجاد فضایل نظری، و «تأدیب» برای ایجاد فضائل اخلاقی و عملی معرفی می‌کند.



دانشگاه سیستان و بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

هاشمی، نوروزی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر تربیت اخلاقی از دیدگاه فارابی»، به این نتیجه دست یافتند که طبق نظر فارابی سلامت فرد و جامعه متأثر از هم بودن و با تربیت افراد سالم می توان به مدینه فاضله دست یافت و در مدینه فاضله است که سلامت اخلاقی و ایمان مردم مصونیت پیدا می کند.

رحیمی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان « روش شناسی فارابی و هابرماس »، به این نتیجه دست یافت که این دو متفکر به لحاظ نظام فکری و عملی، تفاوت ها و شباهت های گوناگونی دارند و بررسی مقایسه ای تفکرات آن ها در حوزه معرفت شناسی و روش شناسی و چالش هایی که فراروی این حوزه قرار دارد، بسیار مفید و موثر است.

۱. زندگی نامه فارابی

محمد بن محمد بن طرخان بن اوزلغ ملقب به ابونصر فارابی (۳۳۹-۲۶۰ ه ق) یکی از بزرگترین فیلسوفان مسلمان است که در فاراب زاده شد. محققان درباره زمان تولد فارابی اتفاق نظر ندارند و نسبت به حوادث زندگی خصوصی او اطلاعات دقیقی به دست نمی دهند. فارابی تحصیلات خود را نخست در خراسان و سپس در بغداد، که از مراکز علمی جهان اسلام بود به انجام رسانید. وی در بغداد از محضر ابوبشر متی بن یونس و در حران نزد یوحنا بن حیلان منطق آموخت. او در اندک زمانی بر تمام معاصران خود پیشی گرفت و بر معارف روزگار خود مسلط گشت و نزد امیر حلب، سیف الدوله حمدانی از جایگاهی ویژه و مکاتبی رفیع برخوردار گردید. وی از لحاظ اخلاقی مردی مهذب و پالایش یافته بود و از این رو اسباب زندگی دنیوی را به چیزی نمی گرفت و در کمال قناعت و سادگی می زیست. فارابی محقق بود شیفته معرفت که در زمینه های متنوع آگاهی های عصر خود به تأمل پرداخته و بصیرتی شگرف به هم رسانیده است. وی اولین متفکر بزرگ اسلامی است که از منابع یونانی که به عالم اسلامی انتقال یافته بود سود جسته و نظامی فکری و فلسفی پدید آورده است. فارابی یکی از برجسته ترین شارحان آثار ارسطوست. البته شرحی که وی از آثار ارسطو می دهد آمیزه ای ارسطویی - نوافلاطونی است. وی را از آن رو معلم ثانی خوانند که پس از ارسطو کسی به اندازه او در مورد شاخه های گوناگون دانش آگاهی نداشت (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷، ص ۸۶-۸۵).

فارابی با اشراف و آگاهی کامل نسبت به فلسفه یونان و نیز تسلط بر معارف عمیق دین مبین اسلام به جمع آراء میان افلاطون، ارسطو و فلوطین از یک سو و فلسفه و دین از سوی دیگر اقدام کرده و در نهایت



دانشگاه سیستان و بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

اصول تازه ای طرح و از این اصول نتایجی به دست آورده است (نتون، ۱۹۹۲، ص ۳۷، به نقل از هاشمی و بلاغت، ۱۳۹۰، ص ۵۹). بی گمان فارابی یکی از فیلسوفان پربار و کثیرالتألیف فرهنگ اسلامی است. آثار فارابی را می توان به چندین گروه تقسیم بندی کرد: گروه اول شامل رسالاتی است که به منطوق اختصاص دارد. گروه دوم به امور طبیعی می پردازد. گروه سوم شامل موضوعات لاهوتی یا ماوراء طبیعی است و گروه چهارم شامل مسائل اخلاقی و سیاسی است (یوسفیان، ۱۳۷۹، ص ۱۸). تعلیم و تربیت یکی از موضوعات مهمی است که با توجه به تقسیم بندی که در مورد آثار فارابی انجام گرفت، می توان آن را در گروه چهارم، که شامل مسائل اخلاقی و سیاسی می شود، جای داد. منتهی روشن است که برای ورود به بحث در مورد اندیشه فارابی در اصول و روش های آموزش، نگاه اجمالی به مبانی فلسفی فارابی ضروری به نظر می رسد.

۲. نظام تعلیم و تربیت فارابی

۲-۱. جایگاه تعلیم و تربیت در اندیشه فارابی

فارابی از آن دسته اندیشمندانی است که معتقد است کمال وجود انسانی از ابتدا در وجودش بالفعل نیست، بنابراین می گوید: «در فطرت هیچ انسانی از ابتدای آفرینش او کمال وجود ندارد، چون فطرت ترکیبی از امور متضاد است» (فارابی، تحقیق: متری نجار، ۱۹۷۱م، ص ۱۰۰). به نظر وی از آن جا که مقصود وجود انسانی رسیدن به سعادت است و رسیدن به این مقصود مهم به شناخت عوامل و وسائلی نیاز دارد، بنابراین لازم است در مسیر صحیح تعلیم و تربیت قرار گیرد تا این عوامل را بشناسد و از راه آن ها به سعادت برسد (میرزا محمدی، ۱۳۸۴، ص ۵۵).

جایگاه تعلیم و تربیت در نزد فارابی امری دولتی بوده و مدرسه مکانی اجتماعی است. او معتقد است مدرسه وسیله ای است برای رسیدن انسان به هدف که همان سعادت است، در این محیط گروهی هم رأی و همکار که خواهان رسیدن به سعادت هستند جمع شده اند و در مقابل اهداف خویش به صورت فردی و جمعی احساس مسولیت می کنند. در مدرسه فارابی سرنوشت همه شاگردان به هم مرتبط است (جابری مقدم، ۱۳۸۲، ص ۱۲۵).

۲-۲. تعریف تعلیم و تأدیب از دیدگاه فارابی



دانشگاه سیستان و بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

تعلیم: «ایجاد فضایل فطری در امت ها و مدینه ها از طریق اقوال می باشد»، به نظر فارابی تعلیم بر دو نوع است: یکی تعلیم عامه مردم از طریق اقناع و دیگری تعلیم خواص از طریق برهان. به طور کلی برای فارابی تعلیم جنبه نظری تعلیم و تربیت است» (فارابی، تحقیق: آل یاسین، ۱۳۷۱، ص ۹۱).

تأدیب: «ایجاد فضایل اخلاقی و صنایع عملی در میان امت ها و مدینه ها است» (گلستانی، ۱۳۷۰، ص ۳۱۲). تأدیب گاهی به گفتار و گاهی هم به کردار و اعمال است. به عقیده فارابی بعضی از مردم به تعلیم و تأدیبی کمتر و برخی دیگر به تعلیم و تأدیبی بیشتر نیاز دارند و نیز لازم نیست که هر کس همه آنچه را به او تعلیم داده می شود یاد گیرد یا هدایتی را که به وی عرضه می شود کلاً دریابد (شریف، ۱۳۶۵، ص ۱۷۰).

۲-۳. اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه فارابی

هدف در تعلیم و تربیت به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که به طور آگاهانه سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت های مناسب تربیتی انجام می گیرد (شعبانی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۳۶). نقش اهداف تربیتی در تعیین جهت کار شاگرد و معلم، در هماهنگی ساختن فعالیت های آموزشی، در ارزیابی پیشرفت امور تعلیمی و تربیتی، در انتخاب روش های گوناگون تدریس، در پیشرفت دائمی شاگرد و معلم و در انتخاب و سازمان دادن مواد درسی تأثیر فراوان دارد (شریعتمداری، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱-۱۰۰).
اهداف تربیتی مورد نظر فارابی را می توان در چهار دسته کلی، به شکل زیر تقسیم نمود:

۲-۳-۱. هدف جسمانی (بدنی)

فارابی وجود انسان را دارای دو بعد جسم و روح می داند و برای پرورش هر بعد اهمیت خاصی قائل است و برنامه ای مشخص دارد. به نظر او تن آدمی باید پاس داشته شود و نیروی لازم در آن به وجود آید و بالقوگی های آن شکوفا شود. برای فارابی هدف جسمانی تعلیم و تربیت با بازی کودکان شروع می شود. اما برای او بخش مهم تر تربیت جسمانی، آمادگی نظامی برای دفاع از مدینه در مقابل هجوم دشمنان است. با این همه، با همه اهمیتی که فارابی برای تربیت جسمانی قائل است، آن را برای خدمت به روح انسان می خواهد و مقدمه ای برای پرورش روح و روان می شناسد (فارابی، ۱۹۹۱م، ترجمه: سجادی، ص ۲۸۳).

۲-۳-۲. هدف هنری (ذوقی)

فارابی برای تربیت و ایجاد نظم روحی و روانی اهمیت بسیاری قائل بوده، بنابراین تربیت ذوقی برای او دارای ارزش بالایی است. مبنای فلسفی این امر نیز به اعتقاد فارابی مبنی بر وجود قوه متخیله در انسان و نقش آن



دانشگاه سیستان بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

در زندگی وی بر می گردد. به نظر فارابی قوه متخیله در انسان و نقش آن در زندگی وی بر می گردد. به نظر وی، قوه متخیله در انسان قابلیت کسب معرفت را دارد و همواره در کنار قوه ناطقه این وظیفه را انجام می دهد. فارابی در تربیت هنری به ویژه به موسیقی و شعر، توجه ویژه ای دارد. برای فارابی، شعر و موسیقی از نظر ایجاد زمینه های ترویج ارزش ها و فضایل اخلاقی و دینی در جامعه قابل اهمیت هستند. وی معتقد است که از طریق هنر می توان بر عواطف و احساسات توده مردم تاثیر گذاشت (میرزامحمدی، ۱۳۸۴، ص ۶۳-۶۲).

۳-۳-۲. هدف اخلاقی

مهمترین هدف تعلیم و تربیت فارابی، رساندن انسان به خداست. هستی در نزد وی غایت مند بوده و غایت او نیل به الله است. رسیدن به این مرحله از طریق تربیت و کسب شناخت ممکن است، به این دلیل برای فارابی، فضیلت زیباست و زیبایی نیز فضیلت است. از دیدگاه فارابی، کمال انسان از راه تعلیم و تربیت حاصل می شود و هدف تربیت هدایت افراد به سوی کمال است. اعتقاد فارابی به فناپذیری و بقای روح انسان موجب شده است که او هدف اخلاقی تعلیم و تربیت خود را در رسیدن به سعادت تعریف کند و سعادت را عبارت از مفارقت از ماده و نزدیک شدن به معنا و خالق جهان بداند. چون وجود ما در آمیخته با ماده است، همین امر سبب شده است که جوهر ذات ما از جوهر ذات وجود اول دور شود. هر اندازه جوهر ما به آن نزدیک شود تصور ما نسبت به او یقینی تر و درست تر می باشد. در این مسیر فارابی چهار اصطلاح سعادت، کمال، فضیلت و خیر را به کار می برد که همگی در حیطه هدف اخلاقی تعلیم و تربیت بررسی می شوند (میرزامحمدی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۴-۲۱۳).

۴-۳-۲. هدف عقلانی

فارابی انسان را صاحب قوایی متعدد می داند که هر یک عهده دار وظیفه ای در وجود وی هستند تا مسیر کمال او را هموار کنند. آن قوه ای که به نظر فارابی برترین قوه انسان بوده و می تواند فرد را به سعادت برساند، قوه ناطقه است. وی معتقد است که انسان موجودی است که سعادت وی متأخر از وجودش بوده و قابلیت های رسیدن به سعادت در نهاد وی به ودیعه گذارده شده و نیل به سعادت تنها در گرو تربیت صحیح و مدد از عقل و شناخت می باشد (میرزامحمدی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۴).

۴-۲. اقسام مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه فارابی



دانشگاه سیستان و بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

مبانی تعلیم و تربیت بیانگر موقعیت ها و امکانات در اختیار انسان بوده و از امکانات در دسترس و محدودیت ها و نیاز های زندگی انسان بحث می کند (شکوهی، ۱۳۸۰، ص ۶۱). با توجه به بررسی آثار فلسفی و تربیتی فارابی می توان مبنای پنج گانه زیر را برای نظام تعلیم و تربیت وی ارائه کرد.

۲-۴-۱. مبنای دینی

فارابی فیلسوف و مربی مسلمان است و مهم ترین محور شکل دهنده افکار او دین اسلام می باشد. این مربی بزرگ در پی آن است که از راه تعلیم و تربیت، انسان را (که به نظر او مخلوق خداست) به خدا برساند و در این راه از تمام علوم و معارف بشری استفاده کند. بنابراین وجه ممتاز اندیشه فارابی از فلاسفه یونان آن است که آراء وی صبغه دینی دارد و دین شاکله تفکرات و مبنای اصلی تعلیم و تربیت اوست. این مبنای اصلی به عنوان چتری بر اصول، اهداف، برنامه، روش و ... تعلیم و تربیت او گسترده شده است و آن ها را هدایت و راهنمایی می کند (داغ، رشید اویمن، ترجمه: کوشافر، ۱۳۷۴، ص ۴۲-۵۱).

۲-۴-۲. مبنای اجتماعی

تفسیر فارابی از نظام هستی و جسم انسان، ترسیم کننده پیکری واحد در اوج انسجام و سازگاری است. اجتماع ایده آل انسانی که در اصطلاح فارابی «مدینه فاضله» خوانده می شود، بر اساس الگویی اتخاذ شده از نظام کلی هستی طراحی و تدوین شده است. این الگو نمونه ای مینیاتوری نیز دارد که بدن انسانی است (فارابی، ۱۹۹۱م، ترجمه: سجادی، ۱۳۶۱، ص ۱۱۹-۱۱۸)؛ بنابراین، اجزای مدینه نیز اعم از منزل یا آحاد مردم، اگر به مقتضای جایگاه ویژه خود در نقشه جامع مدینه فاضله عمل کنند و اندیشه ای متناسب با جایگاه عملی خویش در این مجموعه داشته باشند، به برترین کمالات انسانی نائل می گردند؛ از همین روست که جهت گیری تعلیم و تربیت نزد فارابی هدایت فرد به وسیله فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه فاضله برای دست یابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷، ص ۹۰-۹۲). تعلیم و تربیت نیز در نظر فارابی امری اجتماعی است، زیرا انسان موجودی اجتماعی است و به تنهایی قادر به زندگی نمی باشد. برای او مدینه در حکم محیط تربیتی است و قوانین آن عملکرد و نقش تربیتی دارند، اگر تعلیم و تربیت صحیح در اجتماع انجام نگیرد، مدینه از حالت فاضله خارج و در زمره مدن غیر فاضله قرار خواهد گرفت (هاشمی، نوروزی، ۱۳۸۹، ص ۹۵).

۲-۴-۳. مبنای روان شناختی



دانشگاه سیستان و بلوچستان

مجموعه‌ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش‌های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

به نظر فارابی به دلیل این که افراد هم در جسم و هم در عقل متفاوت هستند، در یادگیری نیز متفاوت خواهند بود و یادگیری به صورت تدریجی حاصل می‌گردد. انسان برای پرورش جنبه‌های مختلف جسمی و روانی بایستی از مراحل آسان به مشکل حرکت کند تا بتواند توانایی‌های خود را به طور کامل عرضه کند (فارابی، تحقیق: متری نجار، ۱۹۶۴م، ص ۷۶).

۲-۴-۴. مبنای علمی

علم به اشیا در نزد فارابی، گاه به قوه‌ی ناطقه، گاه به قوه‌ی متخیله و گاهی نیز به قوه‌ی حاسه است و این تفاوت ناشی از تفاوت معلوم است. بنابراین، معرفت را در معنای اعم آن می‌توان به معرفت حسی، خیالی و عقلی تقسیم کرد، ولی از آن جا که علم حقیقی آن است که در همه‌ی زمان‌ها صادق و یقینی باشد و احتمال تبدیل به کذب نداشته باشد، از این رو، معرفت حقیقی همان معرفت عقلی است. به همین دلیل، میزان امتیاز مراتب نفوس از یکدیگر، فعلیت یافتن قوه‌ی ناطقه، یعنی حصول معرفت عقلی است (فارابی، ۱۹۹۱م، ترجمه: سجادی، ۱۳۶۱، ص ۹۱). اما ویژگی مهم عقل در مرتبه بالفعل، خطاپذیری آن است، زیرا قریحه‌ی فطری و آگاهی‌های اولیه یقینی انسان، به تنهایی برای استنتاج روشی که او را از خطا باز دارد، کافی نیست و شرایط انتخاب و ترتیب مقدمات لازم برای رسیدن به معرفت یقینی را به وی معرفی نمی‌کند. بلکه باید صناعتی که دربردارنده این روش‌ها است تقویت شود، تا بتوان از گمراهی و تحیر دوری جست و شک و یقین و ظن و خیال را از یکدیگر تمییز داد (فارابی، ۱۴۰۳ق، ص ۵۱-۵۰). از همین روست که آموزش منطبق باید بر هر آموزش دیگری مقدم شود، از آن رو که خیرات مربوط به انسان برخی اخص از دیگر خیرات است و عقل، اخص خیرات نسبت به اوست؛ زیرا انسان بودن او به عقل اوست. بنابراین، منطبق که مفید عقل، یعنی اخص الخیرات است، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، تا بدان جا که اولین مرتبه سعادت تحصیل منطبق است (فارابی، ۱۹۸۷م، ص ۲۳۲-۲۲۸).

فارابی در کتاب ارزشمند احصاءالعلوم، مجموعه‌ای از دانش‌ها را پیشنهاد می‌کند که شاگرد باید برای پرورش توانایی‌های خود آن علوم را بیاموزد. در این مجموعه از علوم نظری و عملی فراوانی نام برده شده و چگونگی تعلیم آن‌ها نیز بیان گردیده است. بنابراین فارابی تعلیم و تربیت خود را به یک یا چند علم محدود نکرده و هر دانشی را به فراخور شرایط لازم می‌داند (میرزامحمدی، ۱۳۸۴، ص ۵۸).

۲-۴-۵. مبنای اخلاقی (ارزشی)



دانشگاه سیستان و بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

فارابی فیلسوفی غایتگرا، و جهت گیری فکری او و همه اجزای فلسفه اش بر اساس غایات استوار است. او در کنار توجه به مبناهای پیشین به حقایقی مانند سعادت، کمال، خیر و فضیلت اعتقاد دارد و در نظام هستی، همه چیز را هدفمند می بیند که به سوی غایتی در حرکت است، به عبارت دیگر، فلسفه فارابی غایت خویش را بر معرفت خالق بنا نهاده است (مهاجرنیا، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱).

سعادت در نظر فارابی، صعود انسان به سوی خداوند بوده و عین خیر و غایت و اعظم اشیایی است که انسان می تواند به آن نائل آید (گلستانی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۲). کمال برای انسان مستلزم جدایی از ماده است. انسان از ابتدا کامل نیست اما زمینه های نیل به کمال در وجودش به ودیعه نهاده شده است تا با عقل و اراده بتواند به آن برسد. از نظر فارابی معرفت راه رسیدن به کمال است. بنابراین فارابی در این جا این سخن معروف استاد خویش افلاطون را می پذیرد که: «فضیلت معرفت است» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷، ص ۱۱۴). فضیلت، استعداد گرایش به صفات نیکو در آدمی است. فضیلت به نظر فارابی از طریق تکرار به صورت عادت در می آید و در ارتباط با خیر و رذیلت مربوط به شر است. خیر از نظر فارابی غایتی است که هر چیزی شوق حرکت به سوی آن را دارد و خواهان آن است و با کمک آن به مرتبه و حقیقت وجودی خود می رسد و در حقیقت، آخرین مرحله از کمال وجود است به نظر فارابی، همه فضایل فطری و طبیعی نیست و هر کس ممکن است زمینه گرایش به نوعی از فضایل را دارا باشد. فضایل از نظر فارابی شامل فضایل نظری، فکری، اخلاقی و عملی است (فارابی، تحقیق: آل یاسین، ۱۳۷۱، ص ۷۶-۵۰).

۲-۵. اصول آموزش از دیدگاه فارابی

دکتر هوشیار (۱۳۳۵)، اصول تعلیم و تربیت را «تکیه گاه های نظری که از عوامل موجود در حیات استخراج شده است و هم آن را به عنوان ملاک عمل باید در نظر گرفت» تعریف کرده و معتقد است که که مریبان با استفاده از آن ها می توانند به موقع و با روشنی بینی کافی، تصمیم بگیرند و وظایف تربیتی خود را به نحو رضایت بخشی انجام دهند. مهم ترین اصولی که در نزد فارابی پدید آورنده روش ها و تصمیمات مناسب برای دستیابی به هدف های تعلیم و تربیت هستند، عبارتند از:



دانشگاه سیستان و بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

۲-۵-۱. تفاوت های فردی

به نظر فارابی انسان ها دو نوع فطرت دارند، فطرت مشترک و فطرت خاص. با توجه به خاص انسان است که می گوید، فطرت همه انسان ها برای قبول معقولات اولیه آمادگی ندارد، زیرا انسان ها بالطبع با قوای متفاضل و استعداد های متفاوت خلق شده اند (فارابی، تحقیق: متری نجار، ۱۹۶۴م، ص ۷۸-۷۶). به نظر فارابی، وجود تفاوت های فردی در انسان ها به معنای حاکمیت جبر بر آن ها نبودن بلکه به ضرورت تعلیم و تربیت تأکید دارد. تعلیم و تربیت صحیح می تواند با توجه به زمینه های متفاوت افراد، هر یک را با توجه به تفاوت های خویش پرورش دهد. از تفاوت های فردی که وی بر آن ها تأکید کرده می توان به تفاوت های قومی، جسمی، روحی، استعدادی و ... اشاره نمود (فارابی، ۱۹۸۷م، ص ۳۱-۳۲).

۲-۵-۲. تخصص

همان گونه که در اصل نخست اشاره شد انسان ها دارای دو نوع فطرت عام و خاص هستند. بر این اساس فارابی دو نوع تعلیم و تربیت را پیشنهاد می کند: تعلیم و تربیت عام و تعلیم و تربیت تخصصی. بر اساس تعلیم و تربیت نوع دوم، وی معتقد است نظام تربیتی باید پاسخگوی نیازهای خاص اجتماعی باشد. به این ترتیب آموزش خاص فارابی در نهایت به پرورش خواص برای بر عهده گرفتن زمام جامعه می انجامد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷، ص ۱۳۳).

۲-۵-۳. همگانی بودن

فارابی معتقد است که ملتی به کمال می رسد که در آن تعلیم و تربیت در اختیار همگان باشد. هر انسانی در هر مرتبه و طبقه ای که باشد به اندازه استعداد و توانایی خود باید از تعلیم و تربیت برخوردار شود. البته این اصل یک محور مستقل برای فارابی است که امروزه از آن با عنوان «آموزش برای همه» (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۱۲) یاد می شود.

۲-۵-۴. واگذاری تکلیف در حد توان متری



دانشگاه سیستان و بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

فارابی در امر تربیت، توجه به میزان توانایی متربی را مهم می داند و با توجه به تفاوت های فردی، معتقد است که تکلیف متربیان باید مختلف انتخاب شود، چرا که همه انسان ها دارای قدرت درک و فهم یکسانی نیستند. بنابراین، با توجه به ظرفیت هر یک از آن ها باید روش خاصی به کار برد و به اندازه توان هر یک از آن ها توجه نمود (هاشمی، نوروزی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۸-۱۰۷).

۲-۵-۵. بالندگی عقلانی

برای رسیدن به هدف تعقل، باید به اصل بالندگی عقلانی توجه کرد. فارابی عقل را به دو بخش نظری و عملی تقسیم می کند. اصالت را به رشد و کمال عقل نظری می دهد و برای رشد و شکوفایی عقلانی، به ویژه عقل عملی، به عمل و رفتار اهمیت خاصی می دهد به عبارتی انسان کارهای خود را از روی عقل انجام دهد و تعقل کامل سلیم و ورزیده داشته باشد تا به نهایت کمال و سعادت نایل آید (فارابی، تحقیق: متری نجار، ۱۹۷۱م، ص ۳۰).

۲-۵-۶. تحول در نگرش

در فلسفه فارابی به «وجود الرأی» و «التسدید» اشاره شده است که به معنی اندیشه درست و رأی محکم است. بر اساس تحقیق و دقت فراوان و از راه تعلیم و تربیت حاصل می شود (فارابی، تحقیق: متری نجار، ۱۹۷۱م، ص ۵۹). این اصل به این معنی است که آموزش باید در دیدگاه و نگرش فرد نسبت به امور، دگرگونی و تحول ایجاد کند، زیرا نوع نگرش فرد بر رفتارها و اعمال او تأثیر مستقیم دارد.

۲-۵-۷. تدرّج در آموزش

فارابی برای رسیدن به کمال و سعادت غایی، مراتبی را در نظر می گیرد که از قوه ناطقه (عقل نظری) آغاز می شود و به مرتبه عقل بالفعل می رسد. وی معتقد است که مسیر تکامل روحی انسان به گونه ای نیست که بتوان در زمان کوتاه و به سادگی به نتیجه نهایی رسید، بلکه آموزش یک فرایند و جریان پیوسته است که نیاز به زمینه سازی و رفع موانع دارد. پس در آموزش باید با مرحله ای کردن تربیت و فرصت دادن به متربی، ضمن حفظ انگیزه، او را در رسیدن به مقصد یاری کنیم، زیرا تعلیم و تربیت انسان امری تدریجی است و نیازمند به بسترسازی های مختلف نظری و عملی است (کاوندی، ۱۳۹۰، ص ۵۸).

۲-۵-۸. محبت



دانشگاه سیستان و بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

مقوله محبت و تأثیر گذاری آن، از اعجاب انگیز ترین امور در عالم است که بر آدمیان تأثیر گذاشته و ناخودآگاه آنان را به خود جذب می نماید و به چیزی تعلق می گیرد که دارای خیر و خوبی باشد (فلاح رفیع، ۱۳۹۱، ص ۴۲). به نظر فارابی ماهیت روابط انسان ها باید بر محبت باشد. به این ترتیب از طریق محبت، بعضی از انسان ها با بعضی دیگر مرتبط شده و پیوند خورده اند و از راه عدالت و اعمال عادلانه محفوظ باقی می مانند. انواع محبت انسان ها در مدینه فاضله عبارت است از: الف) محبت ناشی از اشتراک در فضیلت ب) محبت ناشی از اشتراک در منفعت ج) محبت ناشی از اشتراک در لذت. فارابی معتقد است محور تعلیم و تربیت باید بر محبت ناشی از اشتراک در فضیلت باشد. این اصل در تعلیم و تربیت معاصر نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته تا جایی که «هانری پستالوزی» اصل اساسی تعلیم و تربیت خویش را بر «محبت» بنا نهاده است (نقیب زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵).

۲-۶. روش های کاربردی تدریس از دیدگاه فارابی

به مجموعه تدابیر منظمی که معلم برای رسیدن به هدف، با توجه به شرایط و امکانات، اتخاذ می کند، روش تدریس می گویند (خنیفر، ۱۳۸۷، ص ۷۲). با توجه نظریات فارابی در باب تدریس چنین برداشت می شود که معلم بدون شناخت روش های مختلف تدریس، هرگز قادر به انتخاب صحیح آن نخواهد بود. او هر اندازه که با روش های مختلف تدریس آشنا باشد، در موقعیت های گوناگون برای رسیدن به مقاصد آموزشی، آزادی عمل بیش تری خواهد داشت بدین علت ما در ادامه به انواع روش های کاربردی تدریس مورد تأکید وی اشاره می نماییم:

۲-۶-۱. برهانی

منطق دانان برهان را چنین تعریف کرده اند: «قیاسی است مرکب از مقدمات یقینی که ذاتا نتیجه یقینی به دست می دهد» (خوانساری، ۱۳۷۳، ص ۲۱۴). فارابی علم را شناخت توأمان نموده ها، بودها و غایت پدیده های برهانی می داند، یعنی نموده ها، که اعم از افعال، روابط، رفتار و ساختارهای علمی هستند، و بیشتر نیاز به توصیف، تحلیل و تبیین به شیوه استشهادی دارند، و بیشتر نیاز به تعلیل، نهان یابی معناکاوی و تفهم به شیوه استدلالی دارند. وی شناسایی، تعیین و تعریف این عناصر، اجزا، مفاهیم و ساختار آنها و نیز کشف قانون مندی های حاکم بر روابط ضروری و عقلی اینها را، کار ویژه تحقیقات علمی برهانی می داند. او این شیوه از آموزش را وظیفه رهبران و کسانی می داند که با علوم نظری سرو کار دارند. به نوعی می توان چنین بیان نمود که این روش تدریس عاریت گرفته شده از افلاطون است (فارابی، ترجمه خدیو جم، ۱۳۶۴، ص ۲۳۳).



دانشگاه سیستان و بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

۲-۶-۲. اقناعی

نظر فارابی بر آن است علوم نظری باید با روش های اقناعی آموخته شود. افراد اغلب اوقات این علوم را از راه تفکر درک می کنند، زیرا پس از فهم بسیاری از اصول معلوم که مادی نیستند به درک این علوم نایل می شوند. اما مردم عادی فقط تصویر این علوم را از راه اقناعی در می یابند. معلم باید آن چه را به یک امت خاص مرتبط می شود و چگونگی تعلیم آن به همه امم یا مردم یک مدینه را نیز مشخص سازد. هم چنین باید آن چه را تعلیم آن برای همه امت ضروری است و آن چه را تنها باید به گروه خاصی از مردم مدینه یاد داد، بشناسد. این گونه تمایزها باید به مدد تخیل، شخص را به تحصیل علوم نظری قادر سازد (شریف، ۱۳۶۵، ص ۱۷۱).

۲-۶-۳. صعودی

هنگامی که معلمان با الهام گرفتن از علائق، آمادگی ها و تجربیات شاگردان به تعمیم های کلی در موضوع درسی دست می یابند در حقیقت از روش صعودی یا استقرایی در شیوه آموزشی خود بهره جسته اند. از نظر فارابی این طریق روشی است که از معلول (حس) شروع و به علت (عقل) می رسد و در همه سطوح تحصیلی و موضوعات گوناگون انسانی و اجتماعی کاربرد دارد معلم آغازگر فعالیت بوده، و جوی دوستانه بین او و شاگردان برقرار است. این روش سبب افزایش آگاهی های فردی، رشد خود کنترلی دانش آموزان، بهبود ظرفیت تفکر، گردآوری، سازماندهی و کنترل اطلاعات و نام گذاری مفاهیم می گردد (جابری مقدم، ۱۳۸۲، ص ۱۹۷).

۲-۶-۴. نزولی

زمانی که معلمان موضوعات درسی را از نظر چگونگی سازماندهی موضوع و چارچوب منطقی آن به شاگردان ارائه می دهند و یا به عبارتی از کل به جزء می رسند در واقع از روش نزولی یا قیاسی استفاده کرده اند، از نظر فارابی این طریق، روشی است که از علت (مبدأ فیض) شروع و به معلول (عالم خاکی) می رسد و باعث می گردد یادگیری زودتر صورت پذیرد و دانش فراگرفته شده، دیرتر فراموش شود، چنانچه وی از این روش در مابعدالطبیعه و نظریه نبوت استفاده کرده است (میرزامحمدی، ۱۳۸۴، ص ۷۳).



دانشگاه سیستان بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

۲-۶-۵. مباحثه و گفتگو

فارابی در تعریف این روش بیان می دارد که: «ترغیب و برانگیختن شاگرد نسبت به آن چه ذهن و فکر او را اقناع می کند بدون این که بخواهد به یقین برسد». او معتقد است که هیچ ابزاری به اندازه قدرت بیان در خدمت بشر نبوده است و مباحثه و گفتگوی برهانی و استدلالی شاگردان را در دریافت بعضی مطالب و مسائلی که از پیش نمی دانستند راهنمایی می کند و معلم می تواند با طرح موضوع در کلاس درس، آن را به بحث بگذارد تا شاگردان محتوا را با همدیگر یاد بگیرند و به کمک و هم فکری یکدیگر، به عمق مطالب پی ببرند و حالت خمودی آموزش به جنب و جوش تبدیل گردد. (داغ، رشید اویمین، ترجمه کوشافر، ۱۳۷۴، ص ۴۸).

۲-۶-۶. تمثیل و تشبیه معقول به محسوس

به نظر فارابی تمثیل روشی است که در آن همانندی و تشابه میان دو چیز مورد نظر است و با تمثیل و ویژگی یک شیء شناخته شده سعی به شناخت شیء دیگر داریم که به آن نسبت می دهیم، به عبارتی دیگر تمثیل شیوه ای است که مربی برای رساندن آراء و افکار معقول خویش به دانش آموز یا گروه مورد نظر وجهه ی سخن خود را در پرده کنایه معرفی می نماید، بدین صورت متربی خود را با مخاطب هم ردیف و مشترک دانسته و به تفکری عمیق فرو می رود و ارزش های نهفته در تمثیل را فرا گرفته و از ضد ارزش ها دوری می جوید (موسوی کاشمیری، ۱۳۸۶، ص ۹۲). فارابی معتقد است که مواد اولیه علم در محسوسات از طریق حس حاصل می شوند. بعد از احساس در مرحله بعدی برای عملیات فکر و پردازش علمی این صورت های حسی در خیال جای داده می شوند. سپس عقل به عنوان ابزار اندیشه ورزی کار روی مواد اولیه احساسات را آغاز می کند. عقل هنگام حکم کردن درباره آن تنها به حس اکتفا نمی کند، چه، اگر چنین بود برای او اصلا یقینی حاصل نمی شد. حس به تنهایی این امکان را ندارد که درباره شیء یا درباره کلیت آن حکم یقینی صادر کند، زیرا که کسب یقین عمل خاص عقل است. استفاده از این روش در فرایند تدریس به علت وجود جذبه های خاص، سادگی بیان و آشنا بودن با مخاطب می تواند توجه افراد را به خود جلب نموده و به معلمان کمک شایانی در واکاوی مفاهیم عقلانی نماید (رحیمی، ۱۳۹۰، ص ۸۶).

۲-۶-۷. حفظ و تکرار

یکی دیگر از روش هایی که فارابی به آن می پردازد، روش حفظ و تکراری است که به فهم مطلب نائل شود. به نظر او فضایل اخلاقی، مهارت نوشتن، هنر و صنایع از طریق تکرار و عادت به دست می آیند و در ذهن افراد ملکه می شود. فارابی حفظ را شامل دو سطح می داند: اول حفظ کلمات و عباراتی که شنونده آن قدر



دانشگاه سیستان بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

تکرار می کند تا آن ها را حفظ کند مانند زبان آموزی، آموزش قرآن و آواز؛ دوم حفظ معنای کلمات و عبارات به صورتی که در روان شاگردان نقش ببندد. وی برای فهم مطالب ارزش فراوان قائل است و معتقد است فهم مطالب از حفظ آن بهتر است زیرا حفظ کردن و به خاطر سپردن بیشتر با لغات و عبارات و جزئیات سر و کار دارد که فایده چندانی ندارد، در حالی که فهم با معنا و کلیات و قوانین سر و کار داشته و بسیار مثرم ثمر بوده و موجب شکوفایی استعدادها و به فعلیت آوردن توانایی ها می گردد (میرزامحمدی، ۱۳۸۴، ص ۷۴).

۲-۶-۸. مشاهده

به نظر فارابی گام نخست در آموزش، استفاده از نام درستی است که معرف اشیا باشد. سپس باید شیء و اجزای مختلف و اوصاف آن به تفصیل بیان شود و با استفاده از رسم تصاویر و اشکال هندسی روی کاغذ به اوصاف آن پرداخت. تا تخیل شاگردان را برانگیخت و فهم مطالب را آسان نمود و معنا و مفاهیم آموزشی را سریع تر و صریح تر منتقل کرد (فارابی، ترجمه ملکشاهی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۴).

۲-۶-۹. روش ماریچی

اگر چه این روش در درجه نخست با نام برونر (Bruner، ۱۹۷۸م) روانشناس آمریکایی، گره خورده است اما در آن شباهت های شگفت انگیزی با نظریات آموزشی فارابی به چشم می خورد. فارابی در تبیین تحقق این روش بیان می دارد که یک موضوع واحد درسی به گونه ای سامان می یابد که، شاگرد در طول تحصیل خویش بارها با آن مواجه شده و هر بار بر درجه دشواری آن افزوده می شود. و خاصیت این پیش روندگی آن است که دانش آموز از موضوع مورد تدریس درک بهتری پیدا می کند و همواره از فهمی جدید به فهمی جدیدتر نائل می شود و مفاهیم و موضوعات همان گونه که ابن خلدون اشاره می دارد می تواند به صورت ملکه در ذهن شاگرد درآید (میرلوحی، ۱۳۸۰، ص ۷۷).

۲-۶-۱۰. ایفای نقش

از نظر فارابی در روش ایفای نقش، ضمن آن که شاگرد در شناخت و درک دیگران تجربه هایی می اندوزد، حالت خودمحوری او نیز رو به نقصان می رود. بنابراین معلم باید براساس هدف و سن و توان شاگرد، موضوع



دانشگاه سیستان بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

را انتخاب و با مهارت لازم، شاگردان را جهت ایفای نقش آماده کند و خود هدایت کننده آن ها باشد تا شاگردان از طریق مشاهده یا ایفای نقش، مطالب و مفاهیم نهفته در نقش را فرا گرفته و از آن ها در زندگی جاری خویش بهره گیرند (علوی، حاج غلامرضایی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۹).

۱۱-۶-۲. پلکانی

در این روش معلم، باید ضمن در نظر گرفتن توانایی عقلی و استعداد های شاگردان در درک موضوعات و مسائل علمی، آموزش خود را از مسائل ساده و نزدیک به ذهن شاگردان آغاز کرده و کم کم به مسائل دشوارتر یا سطح عالی تر مباحث حرکت کند. به عبارت دیگر به دلیل اندک بودن استعداد شاگردان در ابتدای تحصیل، معلم باید با طرح مثال های حسی ذهن شاگردان را آماده نماید تا به مباحث علوم احاطه پیدا کنند (بهشتی، فقیهی، ابوجعفری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۶).

بحث و نتیجه گیری

انسان شگفت ترین مخلوق خداوند و والاترین نشانه قدرت حق بوده و مستعد اتصاف به همه صفات و کمالات الهی است و آفریده شده است تا به مقام خلیفه اللهی برسد و این سیر جز با تربیت میسر نمی شود. علاوه بر آن یکی از ویژگی های بارز انسان که در واقع از جمله عوامل اساسی پیدایش تمدن و فرهنگ به شمار می رود تعلیم و تربیت است. انسان از لحظه تولد و به عقیده عده ای حتی پیش از آن (با تربیت والدین) به تعلیم و تربیت نیاز دارد. چراکه امروزه و در دنیای فعلی تربیت و نقش آن در پیشبرد اهداف عالی فردی و اجتماعی بر هیچ کس پوشیده نیست و این امر (تربیت) در پیشبرد این اهداف چنان اهمیتی دارد که هر کار بدون آموزش و پرورش و تربیت اصولی منجر به شکست است. مسئله شناخت و چگونگی دستیابی به معرفت و دانش صحیح و معتبر موضوعی است که از دیرباز ذهن اندیشوران و فیلسوفان را به خود مشغول داشته است. آنان با ارائه نظام



دانشگاه سیستان و بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

خاصی که برگرفته از چگونگی تفکرشان به خدا، جهان هستی و انسان بوده است، درصدد تبیین آرای تربیتی و آموزشی خود برآمده اند. در این میان، فارابی به عنوان اولین فیلسوف بزرگ اسلامی، با بهره گیری از افکار و اندیشه های فلاسفه نامدار یونانی و گزینش عقلانی آرای آنها در زمینه تعلیم و تربیت و آمیختن آن ها با آموزه ها و اندیشه اسلامی، توانسته است نظام تربیتی نوینی را پایه گذاری کند، و در آرا فیلسوفان پس از خویش نیز تأثیر مشهودی را داشته باشد و لقب معلم ثانی را بر شهرت خود بیفزاید.

بر اساس بررسی های انجام شده در این پژوهش می توان بیان نمود که دیدگاه فارابی در زمینه تعلیم و تربیت متأثر از دیدگاه فلسفی وی است. او انسان را موجودی اجتماعی می داند که می تواند در سایه زیست اجتماعی و تعامل با دیگر همنوعان خویش، نیازهایش را برطرف کند. وی غایت زندگی انسان را تحصیل سعادت دنیوی و اخروی تلقی می کند که سعادت دنیوی مقدمه ای برای رسیدن به سعادت اخروی است و این مهم جز از طریق کسب فضایل چهارگانه (نظری، فکری، اخلاقی و عملی) و شناخت خود واقعی انسان که منجر به شناخت خداوند و تقرب به درگاه الهی است، میسر نمی گردد. با توجه به این که هیچ انسانی مفلور بر فضایل نیست، از این رو برای شناخت آن ها و نیز چگونگی کسب و تحصیل و عمل بدان ها نیازمند معلم و راهنماست. که این امر اهمیت تعلیم و تأدیب را که به عنوان پلی برای رسیدن به مدینه فاضله و نیل به سعادت، خیراندیشی، تفاهم و خوشبختی برای افراد اجتماع خواهد بود نمایان می سازد. یکی از مزایای تفکر فارابی، کاربردی بودن آن در همه زمان ها و مکان ها است. وی مسائل را به گونه ای مطرح کرده و انسان را مورد مطالعه قرار داده که در همه زمان ها و مکان ها فرض شده است، نه انسانی خاص در جامعه ای خاص و با مسئله ای مشخص، زیرا روش های آموزشی و مهارت هایی که وی استفاده کرده به گونه ای است که از نظر علمی و روانی بیش ترین مقاربت را با اصول یادگیری و تدریس دارد.

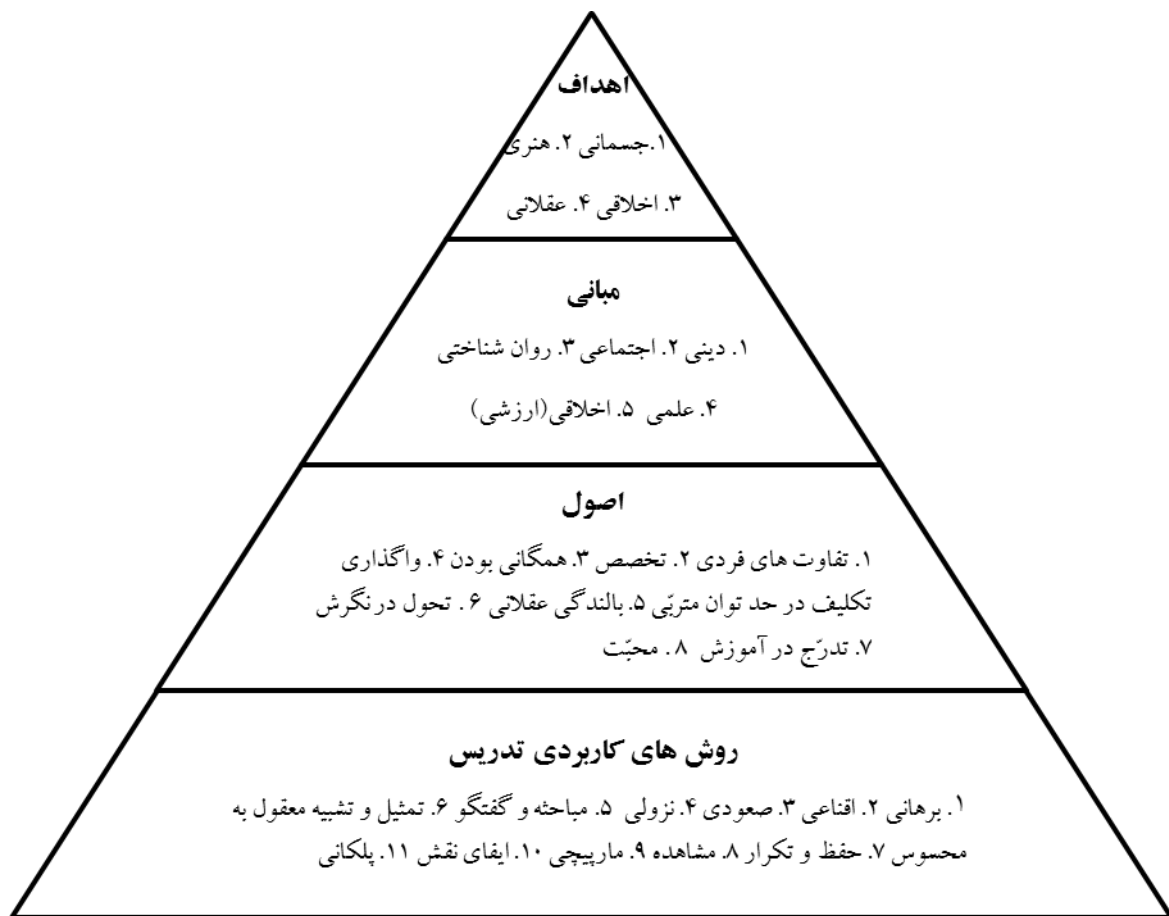
در نگاهی کلی می توان نظام مطلوب تعلیم و تربیت حکیم ابونصر فارابی را به شکل زیر نمایان ساخت:



دانشگاه سیستان بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲





دانشگاه سیستان و بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

شکل ۱: بررسی نظام تعلیم و تربیت از دیدگاه فارابی

منابع

- ایمانی، محسن؛ و بابائی، محمد اسماعیل. (۱۳۸۷). ارزش شناسی فارابی و دلالت های آن در تربیت اخلاقی (با تأکید بر اهداف، اصول و روش ها). دو فصلنامه تربیت اسلامی (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)، سال ۴، شماره ۷.
- بلاغت، سیدرضا؛ و هاشمی، سیداحمد. (۱۳۹۰). مقدمه ای بر روش های تحقیق در فلسفه: با تأکید بر فلسفه ی تعلیم و تربیت. تهران: نوآوران شریف و دانشگاه آزاد لامرد.
- بهشتی، محمد؛ فقیهی، علی نقی؛ و ابو جعفری، مهدی. (۱۳۸۶). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت. ج ۴، تهران: سمت، چ ۲.
- جابری مقدم، علی اکبر. (۱۳۸۲). فلسفه تربیتی فارابی. پایان نامه دوره دکتری، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- خوانساری، محمد. (۱۳۷۳). منطق صوری. ج ۲، تهران: آگاه، چ ۷.



دانشگاه سیستان و بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

- خنیفر، حسین. (۱۳۸۷). نگاهی دوباره به روش ها و فنون تدریس. قم: بوستان کتاب، چ ۴.
- داغ، محمد؛ و رشیداویمن، حفظ الرحمن. (۱۳۷۴). تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام (قرن ۱۰ و ۱۱ه). ترجمه کوشا فر، علی اصغر، تبریز: دانشگاه تبریز، چ ۲.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. (۱۳۷۷). آراء اندیشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. ج ۱، تهران: سمت.
- ربانی، رسول؛ نوروزی، رضا علی؛ و قادری، مهدی. (۱۳۸۷). تحلیلی بر اندیشه های تربیتی فارابی و دورکیم. فصلنامه مصباح، سال ۱۷، شماره ۷۸.
- رحیمی، سلمانعلی. (۱۳۹۰). روش شناسی فارابی و هابرماس. فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال ۲، شماره ۲.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۸۸). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: امیرکبیر، چ ۳۸.
- شریف، میر محمد. (۱۳۶۵). تاریخ فلسفه در اسلام. ترجمه گروه مترجمان، ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی.
- شعبانی، حسن. (۱۳۸۹). مهارت های آموزشی و پرورشی (روش ها و فنون تدریس). ج اول، تهران: سمت، چ ۲۳.
- شکوهی، غلامحسین. (۱۳۸۰). مبانی و اصول آموزش و پرورش. مشهد: آستان قدس رضوی، چ ۱۲.
- صفوی، امان الله. (۱۳۸۷). کلیات روش ها و فنون تدریس. تهران: معاصر، چ ۱۴.
- علوی، حمیدرضا؛ و حاج غلامرضایی، مهناز. (۱۳۹۱). روش شناسی آموزش ارزش های اخلاقی و دینی. دوفصلنامه اسلام و پژوهش های تربیتی، سال ۴، شماره ۲.
- فارابی، ابونصر. (۱۳۷۷). الالفاظ المستعمله فی المنطق. ترجمه و شرح ملکشاهی، حسن، تهران: سروش.
- ----- (۱۹۶۴م). السیاسه المدینه. تحقیق فوزی، متری نجار، بیروت: مطبقة الکاتولیکیه.



دانشگاه سیستان و بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

- (۱۳۷۱). تعلیقات. تحقیق آل یاسین، جعفر، بیروت: حکمت.
- (۱۹۷۱م). فصول منتزعه. تحقیق فوزی، متری نجار، بیروت: دارالمشرق.
- (۱۹۹۱م). اندیشه های اهل مدینه فاضله. ترجمه سجادی، سید جعفر. (۱۳۶۱). تهران: طهوری، چ ۲.
- (۱۴۰۳ق). تحصیل السعاده. تحقیق آل یاسین، جعفر، بیروت: دارالاندلس.
- (۱۹۸۷م). رساله التنبیه علی السبیل السعاده. تحقیق خلیفاه سبحان، عمان: کلبه الادب، قسم الفلسفه الجامعه الاردنيه.
- (۱۳۶۴). احصاء العلوم. ترجمه خدیو جم، حسین، تهران: علمی و فرهنگی، چ ۲.
- فقیهی، علی نقی. (۱۳۸۹). نگرشی نو بر تاریخ فلسفه. ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲.
- کاوندی، سحر. (۱۳۹۰). مبانی اندیشه های تربیتی فارابی. فصلنامه معرفت اخلاقی، سال ۳، شماره ۱.
- گلستانی، سید هاشم. (۱۳۷۸). نقد و تحلیل پاره ای نظرات در فلسفه تعلیم و تربیت. فصلنامه پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۱۰.
- (۱۳۷۰). فلسفه اسلامی. ج ۱، اصفهان: نشاط، چ ۲.
- مهاجرنیا، محسن. (۱۳۸۰). اندیشه سیاسی فارابی. قم: بوستان کتاب.
- موسوی کاشمیری، مهدی. (۱۳۸۶). روش های تربیت. قم: بوستان کتاب، چ ۲.
- میرزامحمدی، محمدحسن. (۱۳۸۴). فارابی و تعلیم و تربیت. تهران: یسپرون.
- (۱۳۸۱). بررسی مقایسه ای اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه افلاطون و فارابی. فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی، سال ۳۳، شماره ۲.
- (۱۳۸۴). بررسی آراء و اندیشه های تربیتی حکیم ابونصر فارابی. مجله علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۵۷.



دانشگاه سیستان و بلوچستان

مجموعه ی علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان :

همایش روش های کاربردی آموزش در اسلام، خرداد ماه ۱۳۹۲

- میرلوحی، سید حسین. (۱۳۸۰). آموزش ماریچی از دیدگاه برونر و ابن خلدون. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۶۵.
- نقیب زاده، میرعبدالحسین. (۱۳۸۹). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. تهران: طهوری، چ ۲۵.
- نوروزی، رضا علی؛ و نیک نشان، شقایق. (۱۳۸۹). تحلیلی بر اندیشه های تربیتی فارابی و رورتی. دو ماهنامه علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، سال ۱۸، شماره ۸۰.
- هاشمی، فاطمه؛ نوروزی، رضا علی. (۱۳۸۹). تحلیلی بر تربیت اخلاقی از دیدگاه فارابی. فصلنامه معرفت اخلاقی، سال ۲، شماره ۵.
- هوشیار، محمدباقر. (۱۳۳۵). اصول آموزش و پرورش. تهران: دانشگاه تهران، چ ۳.
- یوسفیان، سید جواد. (۱۳۷۹). فارابی. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۱ و ۱۲.